

مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی پزشک

آیت‌الله ابراهیم امینی^۱

مقدمه

پزشکی حرفه‌ی بسیار مقدس، ارزشمند و پرمسئولیتی است. چون با سلامت جسم و جان انسان یعنی اشرف مخلوقات سر و کار دارد. چنانچه پزشکی سلامت انسان بیماری را بازگرداند، به او آرامش دهد و از مرگ برهاند، به تعبیر قرآن، چنان است که همه‌ی انسان‌ها را زنده کرده است (۱) و اگر در اثر تقصیر یا اشتباه جان بیماری را به خطر بیندازد، مصداق این آیه خواهد بود که خدای متعال می‌فرماید: «هر کس انسانی را نه به‌عنوان قصاص یا ارتکاب فساد در زمین بکشد چنان است که همه‌ی انسان‌ها را کشته است.» (۱). بنابراین، پزشکان را می‌توان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خدمت‌گزاران بشریت معرفی کرد که در طول تاریخ و در بین همه‌ی جوامع محترم بوده و هستند. البته در برابر این همه ارزش، مسئولیت‌های سنگینی را نیز بر عهده دارند که نمی‌توانند نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشند. خصوصاً پزشکان مسلمان که علاوه بر رعایت اصول علمی در حرفه‌ی خود، وظایف دیگری نیز بر عهده دارند که می‌توان آن‌ها را در دو بخش خلاصه کرد: احکام فقهی و اخلاق پزشکی.

احکام فقهی: مسائلی از قبیل پیوند اعضای بدن و بافت‌ها، سقط جنین در مراحل مختلف، اتانازی یا مرگ از روی ترحم، عقیم‌سازی و کنترل موالید، آبستنی غیرطبیعی و تلقیح مصنوعی، کودکان آزمایشگاهی، شبیه‌سازی و تولید انسان مصنوعی، بهره‌گیری از سلول‌های بنیادی، استفاده از تخمک و

^۱ امام جمعه قم

نشانی: قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، دبیرخانه مجلس خبرگان، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۱۳۲۲

اسپرم غیر همسر، تغییر جنسیت، خرید و فروش اعضای بدن انسان، اخذ عضو بیمار در حال مرگ و اغماء، بدون اجازه یا با اجازه، جواز جراحی‌های خطرناک با کسب اجازه یا بدون آن، تشریح بدن مرده در آزمایشگاه‌ها و ... با این‌که در قلمرو پزشکی هستند، در واقع، از احکام فقهی هستند که بحث و اظهارنظر درباره‌ی آن‌ها در صلاحیت فقها و کارشناسان فقه و حوزه‌های علوم دینی است. در این قبیل مسائل پزشکان ناچارند به فقها و رساله‌های عملیه مراجعه کنند.

البته فقیهان نیز در برخی مسائل مانند تحقق مرگ واقعی در زمان از کار افتادن مغز یا قلب و یا هر دو، بی‌نیاز از اظهارنظرهای کارشناسانه‌ی پزشکان نیستند، همکاری و هم‌فکری نزدیک این دو قشر قطعاً مفید و لازم خواهد بود. خصوصاً با توجه به این‌که علوم پزشکی همواره در حال توسعه و تکامل بوده و هر روز مسائل تازه‌ای پیش می‌آید. بخش دوم، اخلاق پزشکی است که در ادامه با تفصیل بیش‌تری بیان می‌شود.

اخلاق پزشکی

اخلاق جمع خُلق، و خلق به معنای صفت خوب یا بدی است که در نفس انسان رسوخ یافته و به‌صورت ملکه‌ی نفسانی آمده است و منشأ صدور اخلاق و افعال خارجی است. اخلاق به دو قسم تقسیم می‌شود: اخلاق نیک و اخلاق زشت.

عدم رعایت اخلاق، هرج و مرج و ترس و بدبینی در جامعه حاکم می‌شود و زندگی بر همگان تلخ می‌گردد. سعادت هر جامعه‌ای به مقدار تعهد اخلاقی افراد آن جامعه بستگی دارد. پیامبران در طول تاریخ مروج اخلاق بوده‌اند. خیرخواهان و مصلحان بشریت نیز همواره از ضعف اخلاقی بشر رنج برده‌اند و در اصلاح آن کوشش کرده‌اند. اسلام علاوه بر سعادت دنیوی انسان‌ها، کمال نفسانی و سعادت اخروی آن‌ها را نیز در پرتو رعایت اخلاق می‌داند.

اخلاق نیک به‌صورت ملکه و خوی راسخ نفسانی در می‌آید، نفس را تکمیل و انسانیت را تقویت می‌کند. ارتکاب اخلاق زشت نیز خلق و خوی حیوانیت را تقویت می‌نماید و جنبه‌ی انسانیت آدمی را تاریک و پایمال می‌نماید و باطن او را به‌صورت حیوانی درنده و دیوی هولناک می‌سازد. سرنوشت چنین انسان‌ها در جهان آخرت روشن است. بهشت و نعمت‌های بهشتی از بندگی خدا و اخلاق نیک، و دوزخ و عذاب‌های دوزخی از اخلاق زشت درست می‌شوند.

بنابراین، انسان‌های دینداری که به سعادت اخروی خویش می‌اندیشند نمی‌توانند نسبت به اخلاق بی‌تفاوت باشند. اخلاق در منابع اسلامی، قرآن، حدیث و سیره غالباً به‌صورت کلی آمده و مخاطبان آن مؤمنان، مسلمانان و انسان‌ها به‌طور عام هستند و لذا به صنف و حرفه و گروه خاصی اختصاص ندارد. اگر عدالت، انصاف، راست‌گویی، خیرخواهی، خدمت‌گزاری، فروتنی، وظیفه‌شناسی، مهربانی و دلسوزی، نرم‌خویی، بخشش و گذشت، ادب و احترام، و پرهیزگاری از صفات نیک هستند، برای همه‌کس و در همه‌جا و نسبت به همه‌ی گروه‌ها و اصناف و حرفه‌ها چنین است؛ و اگر ظلم، بی‌عدالتی، بی‌انصافی، دروغ‌گویی، بدخواهی، خودبزرگ بینی، تبعیض، تندخویی، بخل، بی‌ادبی، بدزبانی، خیانت در امانت، بی‌تقوایی، و مادی‌گری از صفات زشت هستند، برای همه‌کس و در همه‌جا و نسبت به همه‌ی گروه‌ها و اصناف و حرفه‌ها چنین است. اخلاق غالباً به‌صورت حرفه‌ای تدوین نشده، بلکه صاحبان حرفه‌ها باید برای تشخیص وظایف خود به کتب

اخلاق نیک صفاتی هستند که وجدان پاک و عقل سلیم هر انسانی به‌خوبی آن‌ها گواهی می‌دهد و از همه‌ی انسان‌ها انتظار می‌رود آراسته به آن باشند. مانند: عدالت، انصاف، احسان، وظیفه‌شناسی، مساوات، کمک به انسان‌ها به‌ویژه بی‌نویان و درماندگان، دفاع از محرومان و مستضعفان، امانتداری، راست‌گویی، خوش اخلاقی و مهربانی، رازداری، خیرخواهی و بخشش. اخلاق زشت صفاتی هستند که هر وجدان سالمی به زشتی آن‌ها گواهی می‌دهد و دوست دارد همه‌ی انسان‌ها از ارتکاب آن‌ها پرهیز نمایند، مانند: ظلم و بی‌عدالتی، بی‌انصافی و ستم‌کاری، بخل، تضییع حقوق دیگران، ترک انجام وظیفه، خیانت در امانت، دروغ‌گویی، فریب و حقه‌بازی، تندی و عصبانیت بی‌جا، توهین و ضرب و شتم بی‌گناهان، کشتن انسان‌های بی‌تقصیر و کشف اسرار مردم.

تقید به اخلاق نیک و اجتناب از اخلاق زشت در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. در قرآن و کتب حدیث صدها و هزارها آیه و حدیث داریم که به رعایت اخلاق توصیه می‌کنند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت بعد از عقاید در رتبه‌ی اول قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) ترویج و توسعه‌ی اخلاق نیک و تهذیب نفوس را بزرگ‌ترین هدف بعثت خویش معرفی کرده است. در حدیثی فرمود: «من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.» (۲).

از رسول خدا (ص) سؤال شد: «ایمان کدام‌یک از مؤمنان برتر از همه است؟» فرمود: «آن کس که اخلاقش از همه نیکوتر باشد.» (۳) و فرمود: «سعادت و رستگاری انسان در اخلاق نیک است.» (۴) و در جای دیگر داریم: «بنده‌ی خدا در اثر حسن خلق به عالی‌ترین درجات آخرت و شریف‌ترین منازل خواهد رسید، با این‌که از جهت عبادت ضعف و قصوری هم داشته باشد.» (۵)

اخلاق یکی از نیازهای اولیه‌ی جوامع بشری است. با رعایت اخلاق نیک و پرهیز از اخلاق زشت امنیت و آرامش به‌وجود می‌آید و زندگی برای همگان شیرین می‌گردد و با

گوشزد نموده است. یکی فقیه پرهیزکار (طیب نفس) دوم حاکم قدرتمند، و سوم پزشک آگاه و مورد اعتماد. در این رابطه و به‌عنوان نمونه به ذکر دو حدیث می‌پردازم و پیرامون آن‌ها مطالبی را عرضه می‌دارم.

امام صادق (ع) فرمود: «*اهل هیچ بلدی، از سه چیز بی‌نیاز نیستند، تا در امر دنیا و آخرتشان به آن‌ها پناه ببرند، به‌طوری که اگر فاقد آن‌ها باشند امورشان مختلف و بدون تدبیر خواهد بود: اول فقیه دانشمند و پرهیزکار، دوم امیر و حاکم خیرخواه و با قدرت، سوم طیب دانا و مورد وثوق.*» (۶)

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «*هر کس طبابت را پیشه خود ساخت باید باتقوا و خداترس باشد، و برای مردم خیرخواهی کند و در تحصیل علم و معالجه بیمار جهد نماید.*» (۷)

در حدیث اول به ارزش و اهمیت وجود سه نفر اشاره شده است: یکی عالم و فقیه، دیگری والی و حاکم، سوم طیب. درباره‌ی آن‌ها می‌گوید: هیچ بلدی از این سه شخص بی‌نیاز نیست. و مردم در امور دنیا و آخرتشان به این سه نفر پناه می‌برند. و اگر فاقد یک یا هر سه باشند همه‌جا یعنی نابسامان خواهند بود. جالب این‌جاست که وجود هر یک از آنان را برای اصلاح امور دنیوی و اخروی لازم و ضروری دانسته است. با اندکی دقت ضرورت و ارزش این سه شخص برای تنظیم امور اجتماع روشن می‌شود: فقیه مسئولیت ارشاد و هدایت دینی و معنوی و اخلاقی مردم را بر عهده دارد و طیب روحانی است، و حاکم ولایت مسئولیت امنیت اجتماعی را بر عهده دارد. و طیب مسئولیت سلامت آنان را بر عهده دارد. لیکن در هر یک از آنان شرطی را ذکر نموده است. فقیه باید دانشمند و باتقوا باشد، امیر خیرخواه و با قدرت و طیب بصیر یعنی آگاه و متخصص و مورد اعتماد سعادت دنیا و آخرت اجتماع در صورتی تأمین می‌شود که اشخاص مذکور واجد این صفات باشند. اگر فاقد شرایط باشند نتیجه‌ی مطلوب به دست نخواهد آمد.

هر فقیهی ایمان و اخلاق و سعادت اخروی مردم را تأمین نمی‌کند، بلکه فقیه دانشمند و باتقوا چنین نیازی را تأمین

اخلاق مراجعه کنند و با تناسب شغل خود، وظایف خویش را بیابند و بدان‌ها عمل نمایند.

البته برخی رشته‌ها مانند پزشکی به دلیل اهمیتی که داشته‌اند، همواره در طول تاریخ مورد توجه خاص واقع شده‌اند و تألیفات جداگانه‌ای بدین منظور اختصاص یافته است. مانند سوگندنامه‌ی بقراط که در حدود پانصدسال قبل از میلاد تدوین شده یا سوگندنامه‌ی عساف که در قرن اول هجری و پندنامه‌ی اهوازی که در قرن چهارم هجری و مناجات‌نامه‌ی ابن میمون که در قرن ششم تألیف شده است. شاید رساله‌های دیگری هم قبل از اسلام و بعد از آن تدوین شده که متأسفانه اطلاعات درستی از آن‌ها نداریم. در این‌جا ذکر این نکته لازم است که آن‌چه در این رساله‌ها آمده، ترکیبی است از احکام فقه پزشکی و اخلاق پزشکی، آن هم بدون استقصای کامل؛ به‌ویژه این‌که نسبت به وظایف و مسؤولیت‌های مختلف اخلاقی پزشک به مقدار کافی عنایت نشده است. خوشبختانه، در زمان‌های اخیر مسأله‌ی اخلاق پزشکی مورد عنایت مسؤولان وزارت بهداشت و درمان و جمع‌ی از پزشکان خیراندیش قرار گرفته و با ترتیب کنگره‌ها و کنفرانس‌هایی در تهران و دیگر شهرستان‌ها در رفع این کمبود همت گماشته‌اند، در اثر تلاش آنان و همکاری جمعی از دانشمندان و کارشناسان فقه و اخلاق پزشکی ده‌ها رساله، کتاب و مقاله‌ی خوب و سودمند تهیه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. اما متأسفانه در این رساله‌ها نیز مسائل اخلاق پزشکی و فقه پزشکی در هم آمیخته و غالباً مسائل اخلاقی به حاشیه رانده شده و به مقدار کافی به آن عنایت نشده است. آن هم در شرایطی که جامعه‌ی اسلامی و همه‌ی جوامع بشری، در این زمان، بیش از هر چیز از ضعف اخلاقیات در رنج و عذاب است.

پزشکان از جمله کسانی هستند که در حل مشکلات انسان‌ها می‌توانند نقش مهمی را بر عهده بگیرند. از همین روی اسلام وجود سه گروه را از نیازهای اولیه‌ی هر یک از بلاد دانسته، ضرورت وجود و صلاحیت آن‌ها را به مردم

می‌کند، نه فقیه کم‌دانش و بی‌تقوا هر حاکمی امنیت و سعادت دنیوی مردم را که بر طبق صلاحشان باشد تأمین نمی‌کند، بلکه باید خیراندیش و با قدرت باشد. هم‌چنین هر طبییی سلامت جسم جامعه را به‌خوبی تأمین نمی‌کند، بلکه باید متخصص و کارشناس و آگاه و مورد اعتماد باشد. بنابراین، ارزش هر یک از اینان به وجود صفات مذکور بستگی دارد.

روشن شدن موضوع نیاز به توضیح و تشریح بیش‌تری دارد، لیکن به علت فرصت کم از توضیح دو موضوع اول صرف‌نظر می‌کنم و به توضیح موضوع سوم یعنی طبیب می‌پردازم.

ارزش وجود طبیب بر همگان روشن است. چون تلاش و کار انسان، لذت بردن و خوشی او، آسایش و آرامش او، دانش و اختراع او، و حتی عبادت و نیکوکاری او، همه و همه در صورتی به‌خوبی امکان‌پذیر است که از سلامت جسمانی برخوردار باشد. بنابراین، حیات و سلامت انسان بزرگ‌ترین موهبت الهی است، و پزشک در تأمین بهداشت و سلامت انسان بزرگ‌ترین نقش را ایفا می‌نماید. پزشک است که با درد و بیماری مبارزه می‌کند و زندگی را زیبا و به‌بیمار و اطرافیانش آرامش می‌دهد و به همین جهت پزشکان در اجتماع از موقعیت و احترام ویژه‌ای برخوردارند.

پزشکان را می‌توان از بزرگ‌ترین خدمت‌گزاران انسان‌ها معرفی نمود. زیرا در تأمین سلامت و ادامه‌ی حیات آن‌ها سعی می‌کنند. اما هر پزشکی صلاحیت احراز چنین مقامی را ندارد، بلکه باید واجد صفاتی باشد که در احادیث فوق به برخی از آن‌ها اشاره شده است. امام صادق (ع) به دو صفت مهم برای پزشک اشاره نموده است؛ اول این‌که بصیر باشد؛ یعنی به علوم پزشکی کاملاً آگاه و آشنا و متخصص باشد. به فن طبابت و روش تشخیص بیماری و راه علاج کاملاً وقوف و مهارت داشته باشد. بنابراین، پزشک به صرف تحصیلات و گرفتن مدرک نمی‌تواند اکتفا کند، بلکه باید با جدیت درس بخواند و بعد از اشتغال به طبابت در حال مطالعه‌ی کتب و مجلات پزشکی و تکمیل معلومات باشد، به‌گونه‌ای که در

علم طب اهل تجربه و نظر باشد. چون اطلاعات پزشکی همواره در حال تکامل است، یک پزشک خوب نمی‌تواند به تحصیلات خود بسنده کند و فارغ‌التحصیل شود، بلکه تا آخر عمر نیاز به مطالعه و آزمایش و تکمیل معلومات دارد. تشخیص بیماری‌ها و راه علاج آن‌ها بسیار دشوار و یک هنر واقعی است که نیاز به اطلاعات وسیع و مهارت و صبر و کنج‌کاوی و اخلاص در عمل دارد.

دوم این‌که پزشک خوب کسی است که از هر جهت مورد اعتماد بیمار و اطرافیانش باشد. به‌طوری‌که به دانش و مهارت او، به دلسوزی و خیرخواهی او، به ایمان و صداقت او، به امانت و رازداری او، به تقوا و خودنگه‌داری او، به مهربانی و خوش اخلاقی او، کاملاً اعتماد داشته باشند. یعنی رفتار او به‌گونه‌ای باشد که اعتماد همه را به‌سوی خود جلب کند. امام صادق (ع) در حدیث فوق با عبارت کوتاه (ثقه) به همه‌ی این‌ها اشاره نموده است.

امیرالمؤمنین (ع) نیز سه وظیفه برای پزشک تعیین می‌کند: اول: «من تطیب فلیتق الله» یعنی طبیب باید همواره تقوا و ترس از خدا را رعایت کند. در معاینات و تشخیص بیماری، در تجویز دارو و مقدار آن، در رفتار خود با بیمار و اطرافیانش، در امانت و رازداری، در تعیین حق ویزیت و عمل جراحی، در معاینه و لمس بدن بیمار، در همه حال خدا را حاضر و ناظر بداند و تقوا را رعایت کند.

دوم فرمود: «ولینصح» یعنی نسبت به بیمار دلسوز و خیرخواه باشد و همواره مصالح واقعی او را رعایت کند.

سوم فرمود: «وليجتهد» یعنی در تحصیل علوم و کسب مهارت و تشخیص بیماری و علاج آن جدیت و کوشش کند. امیرالمؤمنین (ع) در این حدیث به مهم‌ترین وظایف پزشک اشاره می‌کند.

خاتمه

در خاتمه شما را به چند امر مهم توصیه می‌نمایم:

اول: خواهران و برادران پزشک، دانشمندان و سروران گرامی، خدای را سپاس گویند که در مقام مقدس طبابت قرار

خود ساخته و به زندگی ساده و شرافتمندانه بسنده کرده‌اند و عمر پربرکت خود را در راه خدمت به دین و سلامت انسان‌ها صرف نموده و با عزت و شرافت زندگی کرده و برای حیات اخروی خود بهترین توشه را برده‌اند. پس ما چرا این چنین نباشیم.

دوم: ایمان و تقوا و خودنگه‌داری برای پزشک یک امر کاملاً ضروری است. زیرا پزشک طبعاً با بیماران هم‌جنس و غیرهم‌جنس سر و کار دارد. لازمی شغلش این است که آن‌ها را معاینه و بدن آنان را مشاهده و لمس کند. آنچه می‌تواند در مواقع حساس پزشک را از لغزش مصون بدارد ایمان و تقواست. پزشک باید همواره به یاد خدا باشد و او را همه‌جا ناظر بداند. پزشک باید در تهذیب و کنترل نفس خویش کوشش نماید و همواره مراقب نفس خویش باشد. مبدا فریب بخورد و عفت و آبروی خود را از دست بدهد. پزشک مورد اعتماد و امین بیمار و بستگان اوست و اگر خیانت کند، بزرگ‌ترین گناه را مرتکب شده و اعتماد عمومی را که برای شغلش ضرورت دارد از دست خواهد داد.

به پزشکان مخصوصاً پزشکان جوان چند توصیه می‌کنم:

۱- تا ضرورت در کار نباشد از مشاهده و لمس بدن بیماران غیرهم‌جنس خودداری نمایید. در صورت لزوم به مقدار ضرورت اکتفا کنید. امام صادق (ع) فرمود: «نگاه بعد از نگاه شهوت را در قلب می‌نشانند. و همین شهوت برای فریب خوردن صاحبش کافی است.» (۸)

۲- اگر لازم بود بیمار غیرهم‌جنسی را معالجه کنید سعی کنید در اتاق خلوت نباشد. از همراه بیمار بخواهید که در اتاق معاینه حضور پیدا کند. به پزشکان و دانشجویان پزشکی توصیه می‌کنم اگر ازدواج نکرده‌اند هر چه زودتر ازدواج کنند تا از لغزش‌های جنسی مصون بمانند.

سوم: پزشک امین و باتقوا و متعهد باید در تجویز داروها احکام اسلامی و مسائل حلال و حرام شرعی را رعایت کند.

گرفته‌اید و ادامه‌ی حیات و تأمین سلامت و آرامش انسان‌ها را بر عهده گرفته‌اید. در مقامی قرار گرفته‌اید که می‌توانید بهترین خدمت‌گزار انسان‌ها باشید. شغل شما مانند شغل فقها و علمای دین یک شغل معنوی و یک عبادت محسوب می‌شود. با قصد اخلاص و انجام وظیفه بزرگ‌ترین ارزش‌های دنیوی و اخروی را برای خودتان کسب می‌کنید. به وسیله‌ی اخلاق و خدمت به بندگان خدا و ایثار و فداکاری در طریق تأمین سلامت انسان‌ها، می‌توانید مصداق «و من احیایها فکانما احیاء الناس جميعاً» باشید.

کرامت ذات و عزت نفس شما اقتضا دارد که اهداف عالی انسانی و خدمت به خلق خدا را تعقیب کنید و از مادی‌گری و پول‌پرستی و استغراق در رفاه‌طلبی جداً اجتناب نمایید. توجه به مادیات به‌عنوان یک اصل و هدف، برای یک عالم دین و برای یک پزشک، یک آفت و انحراف شغلی محسوب می‌شود. فقیه و طیب، تاجر و کشاورز و مهندس و بساز و بفروش و کارخانه‌دار نیستند، تا هدف آن‌ها تکثیر اموال و ازدیاد زخارف دنیوی باشد. هدایت یک انسان و علاج و تسکین درد بیماری که از شدت درد به خود می‌پیچد، نجات یک انسان از مرگ و اشک شادی مادری که جگرگوشه‌اش را از مرگ نجات داده‌ای، برای یک فقیه و عالم ربانی و یک پزشک مخلص و خدمت‌گزار از میلیون‌ها پول بیش‌تر ارزش دارد. آیا حیف نیست که چنین ارزش‌گران‌بهایی را با مقداری پول معامله کنیم؟

البته فقیه و پزشک هم نیاز به زندگی و تأمین مایحتاج دارند و باید در این راه تلاش کنند، اسلام نیز در این‌باره منعی ندارد. آنچه را اسلام برای فقیه و پزشک نمی‌پسندد توجه به مادیات و هدف بودن آن است. آنچه برای یک پزشک پسندیده نیست مسابقه در ازدیاد ویزیت و مطالبه‌ی پول زیاد برای عمل جراحی است، مخصوصاً نسبت به فقرا و مستضعفان و افراد کم‌درآمد.

ما، در زندگی خود، فقها و علمای ربانی و پزشکان مخلص و خدمت‌گزاری را دیده‌ایم که ساده‌زیستی را پیشه

منابع

- ۱- قران کریم: سوره‌ی مائده؛ آیه ۳۳.
- ۲- محجه البیضاء. جلد ۵، ص ۸۹.
- ۳- محجه البیضاء. جلد ۵، ص ۹۰.
- ۴- محجه البیضاء. جلد ۵، ص ۹۲.
- ۵- محجه البیضاء. جلد ۵، ص ۹۳.
- ۶- سفینته البحار. جلد ۲، ص ۷۸.
- ۷- بحارالانوار. جلد ۲، ص ۷۴.
- ۸- وسائل. جلد ۲، ص ۱۹۲.

در صورتی که ضرورت نباشد از تجویز داروهایی که الکل دارد، یا با حرام دیگری مخلوط شده، جداً خودداری کنید.

در تجویز روزه‌خواری نیز احتیاط را رعایت کند، اگر روزه برای بیمار ضرر دارد به روزه‌نگرفتن توصیه کند، ولی اگر ضرر ندارد از تجویز و تشویق روزه‌خواری خودداری نماید.

پزشک امین بیمار است، باید رازدار باشد و هیچ‌گاه اسرار بیمار را فاش نکند. پزشک باید آن‌قدر مورد اعتماد باشد که بیمار بتواند همه‌ی افکار و اسرارش را با او در میان بگذارد و از او راهنمایی بخواهد. فاش کردن اسرار بیمار خیانت اخلاقی محسوب می‌شود و اعتماد را سلب می‌کند و به صلاح دنیا و آخرت پزشک نیست.

امانت و تقوا و ایمان پزشکان اقتضا دارد که در مقدار تجویز دارو احتیاط را رعایت کنند. به مقدار نیاز دارو بنویسند و از ردیف کردن چندین رقم داروهای تکراری و غیر لازم خودداری نمایند. چنین عملی هم به اقتصاد کشور لطمه می‌زند و هم به زیان جسم و اقتصاد بیمار خواهد بود و این یک گناه و خیانت است.

در خاتمه، از پزشکان محترم پوزش می‌طلبم و توفیق همگان را از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.